

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۶ سپتمبر ۲۰۲۰

"گلبدین" و "سرور دانش" چراغ می زنند؟؟

جمعه - ۰۴ میزان ۱۳۹۹ - کابل: یکی از مسایل برجسته خبری امروز، درگیری لفظی تا سرحد فحاشی نسبت به یک دیگر بین "گلبدین" و "سرور دانش" بود. درگیری و پاسخگویی زمانی آغاز یافت که "گلبدین" موضعگیری های اخیر تاریخی "دانش" را در قبال حاکمیت های سدوزائی و محمدزائی نقد نموده، ضمن آن که اتهام ایرانی بودن را بر "سرور دانش" وارد نمود، با لحن توهین آمیزی چنان از امامان دوازده گانه مذهب شیعه یاد نمود، توگویی آنها نه نسبتی به پیمبر اسلام داشته اند و نه هم مرتبتی در جوامع عصر خودشان و از جمله جهان اسلام.

"سرور دانش" هم که گویا از خدا می خواست که خود را با "گلبدین" طرف قرار دهد، خیلی عاجل در عقب مقامش که معاونیت دوم ریاست جمهوری باشد، سنگر گرفته از طریق آن دفتر ضمن حملات غیر مستقیم وی را به جنگ افروزی و داشتن تابعیت پاکستان متهم ساخته، رسماً از وی خواست که دروغ نگوید و در مورد آنچه نمی داند، دهان نگشاید. در یادداشت امروز بدون آن که خود را وارد قضاوت در صحت و سقم بحث های دوطرف نمائیم، به این نکته تمرکز می نمائیم که انگیزه آنها از این جدال لفظی چیست و چه خاطراتی را تداعی می کند. اما قبل از آن:

۱- هرگاه حیات سیاسی "گلبدین" را بر مبنای ادعا های خودش و حواریونش از سالهای ۱۳۴۶-۱۳۴۷ هجری آغاز نمائیم، از آن زمان تا سخنرانی اخیرش که فریبکارانه و روی دلایلی که بعداً از آن صحبت خواهیم نمود، به حمایت از زمامداران و حاکمان سدوزائی و محمد زائی پرداخت، نه یک بار بلکه ده ها و صد ها بار خود، علیه تمام آن زمامداران موضع گرفته، جهت اثبات حقانیت حرکت خصمانه خودش حتماً اسلامیت آنها را نیز زیر سؤال برده است. حال وقتی می آید و از آنها به دفاع بر می خیزد، به علاوه آن که در گام نخست بر تاریخ به اصطلاح مبارزاتی خود می شاشد، حقانیت مبارزاتی خود و بقیه "برادارن"ش را نیز تخطئه می کند.

۲- انگیزه شرکت هر دو طرف در این بحث و دامن زدن به آن تقریباً مشابه به همدیگر شان می باشد. چه:

الف- "گلبدین" که زمانی در پرتو برخورداری از حمایت های بیدریغ امپریالیسم و ارتجاع منطقه به خصوص استخبارات نظامی پاکستان "آی. اس. آی" و شاخه های ایدئولوژیک آن از "مودودی" گرفته تا "ملا فضل الرحمان" و بقیه فوسیل های مذهبی همزمان با حمایت "رژیم ولایت فقیه" خود را یگانه "زعیم پشتون" ها به شمار می آورد و با شمشیر آخته و کشیده از غلاف نه "برهان الدین ربانی" را افغان و شایسته رهبری می دانست و نه هم "مجددی" ها و "گیلانی" ها و بقیه را، سرانجام متوجه شده است که در جریان اینهمه سال، امپریالیسم و ارتجاع سخت از وی

سوءاستفاده نموده، ضمن آن که تمام جنایات شان را به وسیله وی عملی ساخته اند، زیر پایش را در میان قوم پشتون نیز چنان خالی نموده اند، که حتا نمی تواند با یک جاسوس تکنوکرات در قد و قامت "غنی احمدزی" رقابت نماید، تا چه رسد با آن عده از رهبران قومی پشتون که بالنسبه پایه توده نی دارند.

ب- "سروردانش" علی رغم آن که درسهای اخوندی را با تمام کردن "سطح" و "درسهای خارج" به حد نهائی آن رسانیده است، مگر از آن جائی که بستر اولیه تحصیلاتش معارف و مکاتب دولتی بوده نه مدرسه ملائی، در تمام این سالها ناگزیر بوده خود را به بند ایزار یک ملا بچسپاند. از همین رو در تمام این مدت به دنباله روی از "مزاری" و "خلیلی" پرداخته، خود را به وسیله آنها به موقعیت فعلی رسانده است.

موضعگیری وی در جریان انتخابات اخیر و تلاشش جهت برآمدن از زیر سایه "کریم خلیلی" و تقریباً مستتلا نه در کنار "غنی احمدزی" ایستاده شدن و تکمیل آن روند با جدا ساختن تعدادی از به اصطلاح "روشنفکران" هزاره از پیکر "حزب وحدت شاخه خلیلی"، خلاف تصورات اولیه آنها نه تنها به افزایش اعتبار شخصیتی وی کمک نگردید، بلکه انزجار و نفرتی که مردم از "غنی احمدزی" و سیاست هایش داشته و دارند بر وی نیز چنان سایه انداخت، که امروز کمتر هزاره ای حاضر است با وی دست به یک کاسه دراز نماید. تا چه رسد به این که رهبری وی را بپذیرند.

۳- در چنین شرایطی است که هر دو تن یعنی هم "گلبدین" و هم "سرور دانش" در حالی که هم از قدرت نصیبی نبرده اند و هم از نفوذ قومی فرسنگها فاصله دارند، به مثابه دو درمانده و درمانده طلب، به سراغ همدیگر رفته، چه بسا با توافق قبلی و کاملاً فریبکارانه، تخریب یک دیگر را از موضع دفاع از "پشتون" ها و "تسنن" و نقطه مقابلش دفاع از "هزاره" ها و "تشیع"؛ در دستور کار قرار داده اند.

هموطنان گرامی!

تجارب تاریخی نشان داده است که نه "گلبدین" عشق و یا تعهدی نسبت به پشتون ها و تسنن دارد و نه هم "سرور دانش" به هزاره و تشیع، بلکه هر دو طرف تلاش می نمایند تا از طریق دامن زدن به تضاد های قومی و مذهبی، برای خود لشکری از جواسیس، خاینان و وطنفروشان را سازماندهی نمایند.

هموطنان گرامی!

هرکسی که خود را از افغانستان می داند، مکلف است این سگان دهن دریده را افشاء نماید و نگذارد آنها جهت تأمین منافع فردی و گروهی خودشان، کابل را باز هم به حمام خون مبدل بسازند و وقایع و سگ جنگی های دهه ۹۰ را تدارک ببینند.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشاندگی می باشد!

سرکها ما را می طلبند!